

الغیبة شیخ طوسی

جامع مباحث عقلی و نقلی در موضوع غیبت

عباس اسماعیل زاده*

چکیده

روایات بسیاری درباره غیبت امام آخر شیعیان در مجامع حدیثی شیعه وارد شده که برخی از مؤلفان آنها را در کتاب‌هایی گردآوری نموده‌اند. شیخ طوسی یکی از نویسندگانی است که به این موضوع اهتمام ورزیده و کتابی به نام الغیبة به رشته درآورده است. این مقاله درصدد است تا با اشاره به ویژگی‌های مختلف این کتاب به معرفی آن بپردازد. کلید واژه‌ها: روایات غیبت، مهدی موعود (عج)، شیخ طوسی، الغیبة.

مقدمه

رخ در پرده غیبت کشیدن امام دوازدهم شیعیان و مسائل مربوط به آن از مهم‌ترین مباحث اعتقادی تشیع است. اهمیت این مسأله از دو جهت است:

یکی این‌که غیبت امام مهدی علیه السلام آن هم در سنین کودکی حتی برای شیعیان محل شبهه بوده و موجب حیرت و سرگردانی بسیار شده است. چنان‌که به تصریح نوبختی پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام پیروان ایشان در قبال مسأله امام پس از ایشان به چهارده گروه و فرقه تقسیم شدند.^۱

دیگر آن‌که غایب بودن و در خفا زندگی کردن حضرت حجت علیه السلام آن هم قبل از اعلان و اظهار امامتشان برای همگان موجب هجمه شدید مخالفان و القای شک و شبهه در حقانیت مذهب شیعه اثناعشری گردید.

این اهمیت نه تنها موجب شد که از همان ابتدا شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پس از ایشان هر یک از

* دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس تهران.

۱. ر.ک: فرق الشیعة، ص ۹۶.

ائمه طاهرين علیهم السلام به این موضوع اشاره داشته و شیعیان را آماده مواجهه با آن نمایند^۲ بلکه شاگردان مکتب اهل بیت و مدافعان حریم اعتقادی شیعه را نیز بر آن داشت که به تألیف رساله و کتاب در تبیین و توضیح مسأله غیبت اقدام نمایند؛ به گونه‌ای که حتی می‌توان کتاب‌هایی را به عنوان یا موضوع غیبت امام زمان علیه السلام قبل از تولد ایشان سراغ گرفت؛ از جمله علی بن حسن بن محمد طایبی طاطری، علی بن عمر اعرج کوفی و ابراهیم بن صالح انماطی کوفی که هر سه از اصحاب امام کاظم علیه السلام بوده و کتابی در غیبت نوشته‌اند.^۳ همچنین است کتاب‌هایی که در زمان غیبت صفرا و به‌ویژه و سال‌های آغازین آن تألیف شده است؛ به مانند کتاب الغیبة ابواسحق ابراهیم بن اسحاق احمدی نهاوندی (م ۲۶۹ق) و نیز کتاب الغیبة نعمانی (م حدود ۳۶۰ق) که خوشبختانه به چاپ رسیده و در دسترس است.^۴

لازم به ذکر است که آنچه غیبت نویسان در نوشتن این کتاب‌ها بیشتر به آن توجه داشته‌اند، همان رفع حیرت و سرگردانی شیعیان بوده است؛ چنان‌که نعمانی در بیان انگیزه‌اش از تألیف کتاب الغیبة همین مطلب را بیان داشته است:

فأنا رأينا طوائف من العصاة المتسوية الى التشيع ... قد تفرقت كلمها و تشعبت مذاهبها ... و شكوا جميعاً الا القليل في امام زمانهم و ولی امرهم و حجة ربهم ...^۵

همچنین است شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمة:

ان الذی دعای الی تألیف کتابی هذا انی لما قضیت وطری من زیارة علی بن موسی الرضا - صلوات الله علیه - رجعت الی نيسابور و أقمت بها فوجدت اکثر المختلفین الی من الشیعة قد حیرتهم الغیبة و دخلت علیهم فی امر القائم الشبهة ...^۶

این امر موجب شد بزرگان دیگری نیز به رفع این حیرت و اختلاف کمر همت ببندند؛ چنان‌که بعد از شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) باید از شیخ مفید (م ۴۱۳ق) یاد کنیم که الفصول العشرة فی الغیبة و چهار ساله دیگر در باب غیبت از او به یادگار مانده است. پس از مفید، بارزترین شاگرد او سید مرتضی (م ۳۳۶ق) قرار دارد که کتاب المقنع را در موضوع غیبت امام زمان علیه السلام نوشته است؛ ضمن این‌که بخش‌هایی از الشافی و تزیه الانبیاء را نیز به این موضوع اختصاص داده است.^۷ تا این‌که نوبت به شیخ الطائفة ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ق) می‌رسد که قوی‌ترین براهین عقلی و نقلی

۲. جهت اطلاع از این روایات، ر.ک: باب ۲۴ به بعد کمال الدین. شیخ صدوق برخی از این روایات را به تفکیک هر یک از امامان آورده است.

۳. هزاره شیخ طوسی، ص ۵۱۲. البته شیخ طوسی ابن صالح انماطی را در اصحاب امام باقر علیه السلام ذکر کرده است.

۴. جهت اطلاع از سیر تاریخی غیبت‌نویسی ر.ک: همان و الفصول العشرة فی الغیبة، ص ۱۱ به بعد (مقدمه محقق).

۵. الغیبة، ص ۲۷ و ۲۸.

۶. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴.

۷. چنان‌که خود سید نیز در ابتدای المقنع گفته است.

را بر وجود امام دوازدهم محمد بن حسن صاحب الزمان علیه السلام، غیبت و ظهور ایشان^۸ در کتابی با عنوان الغیبة فراهم آورده است.

ما معرفی این کتاب را موضوع بحث خویش در این نوشتار قرار داده‌ایم.

۱. ویژگی‌های شکلی کتاب

۱-۱. نام کتاب

شیخ طوسی، خود نامی برای این کتاب اختیار ننموده است، ولی شیخ آقابزرگ تهرانی هم در الذریعة^۹ و هم در مقدمه سودمندی که بر این کتاب نوشته^{۱۰} آن را الغیبة نامیده است. در نرم‌افزار قرآنی نور العتره نام کتاب اثبات الغیبة آمده، ولی از چرایی و مأخذ آن سخنی به میان نیامده است.

۱-۲. موضوع کتاب

مؤلف، موضوع کتاب را خود مشخص کرده است؛ آنجا که می‌فرماید:

والغرض بهذا الكتاب ما يختص الغیبة دون غيرها.^{۱۱}

بر این اساس، در ابتدا اشاره شده که به دو گونه در باب غیبت امام زمان (عج) می‌توان بحث نمود: یکی این‌که سخن را از وجوب داشتن رئیس و امام قطعی المعصمة آغاز کنیم و دیگر آن‌که بحث را از متفرع بودن غیبت امام مهدی علیه السلام بر ثبوت امامت ایشان پی بگیریم. در ادامه، ابتدا طریق اول پیموده شده و بر وجوب داشتن امام و وجوب عصمت او اقامه دلیل شده است. در این میان به اعتراضی بر نظر سید مرتضی، استاد مصنف، در غیبت پاسخ گفته شده است. از آن پس با توجه به طریق دوم، مبنی بر اقامه دلیل بر امامت حضرت مهدی علیه السلام، نخست فساد اعتقاد فرقه‌هایی چون کیسانیه،^{۱۲} ناووسیه،^{۱۳} واقفه،^{۱۴} فطحیه^{۱۵} و محمدیه^{۱۶} بیان شده است، که فرقه واقفه بسیار مفصل‌تر از بقیه بحث شده است.

۸. بخشی از مقدمه آقابزرگ تهرانی بر این کتاب که در برخی چاپ‌ها در صفحه اول آن نقش بسته است.

۹. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۶، ص ۷۹.

۱۰. الغیبة، ص ۹.

۱۱. همان، ص ۴.

۱۲. پیروان مختار بن ابو عبیده ثقفی که قایل به امامت محمد بن حنیفه بودند و این‌که زنده و مهدی منتظر است.

۱۳. پیروان عبدالله یا عجلان بن ناووس بوده و منتظر ظهور امام صادق علیه السلام بودند و صامیه نیز خوانده شدند.

۱۴. منکر شهادت امام کاظم شده و او را مهدی مرعود دانستند. مسطوره و موسویه نیز گفته می‌شدند. به طور عام نیز به هر گروهی گفته می‌شود که بر خلاف جمهور در مسأله امامت توقف کنند؛ مثل کسانی که بعد از امام عسکری علیه السلام کسی را امام نمی‌دانستند.

۱۵. معتقد به امامت عبدالله بن جعفر افطح (سر یا پای پهن) فرزند امام صادق علیه السلام بودند (به تحول این فرقه اشاره خواهد شد).

۱۶. معتقدین به امامت محمد بن علی الهادی برادر امام حسن عسکری علیه السلام بعد از حضرت هادی علیه السلام. برای اطلاع بیشتر از این فرقه‌ها ر. ک: فرهنگ فرق اسلامی و فرق الشیعة.

به دنبال آن، به مسائلی چون حکمت غیبت، چگونگی اقامه حدود در زمان غیبت امام، چگونگی اصابه حق (رسیدن به حق) در این دوران، کیفیت ولادت امام مهدی (عج) و چرایی مستور بودن آن و چرایی و چگونگی طول عمر حضرت علیه السلام اشاره شده است. در مبحث اخیر، در اثبات طبیعی بودن عمر حضرت حجة (عج)، به طول عمر حضرت آدم، نوح و خضر علیهم السلام و برخی، از معمرین چون لقمان بن عاد، سلمان فارسی، ربیع بن ضبع و شماری دیگر - که نامشان در کتب تاریخ آمده - اشاره شده است.

دلیل دیگر بر امامت حضرت مهدی علیه السلام روایاتی است که در آنها بر دوازده نفر بودن امامان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید شده است. جهت تأیید بیشتر، روایاتی از مخالفین نیز ذکر شده است. در دلیل سوم روایاتی ذکر شده که نشان می‌دهد حضرت مهدی علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام و نهمین فرزند ایشان است. به همین مناسبت دوباره رد و ابطال فرقه‌های مخالف مطرح شده است که علاوه بر فرقه‌های مذکور در قبل، از سبأیه^{۱۷} و برخی نحلّه‌های پس از امام عسکری علیه السلام^{۱۸} نیز سخن رفته است.

سپس قبل از ذکر سفرا و نایبان امام زمان (عج) در زمان غیبت صفرا، آنانی که به شرف دیدار حضرت نایل آمده‌اند و برخی از معجزات و توقیعات ایشان آمده است. همچنین است ذکر وکلای مذموم و ممدوح برخی از ائمه علیهم السلام (از امام باقر علیه السلام به بعد) از ممدوحین شانزده نفر، کسانی چون: حران اعین، مفضل بن عمر، و صفوان بن یحیی و ایوب بن نوح و از مذمومین هفت نفر افرادی نظیر: صالح بن محمد سهل همدانی، علی بن ابی حمزه بطائنی و ابوطاهر محمد بن علی بن بلال. پس از این مقدمه نسبتاً طولانی به چهار نایب امام زمان علیه السلام در غیبت صفرا، یعنی: ابو عمرو عثمان بن سعید عمری، ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح و ابوالحسن علی بن محمد سمري، اشاره شده است.

در پایان کتاب نیز به برخی از مسائل مربوط به غیبت پرداخته شده است. مباحثی چون: مقدار عمر حضرت، علائم و نشانه‌های ظهور و برخی از صفات، ویژگی‌ها و سیره امام زمان (عج). از آنچه که تا بدین جا گفتیم ملاحظه می‌شود که جناب شیخ طوسی سعی بلیغی در عدم خروج از اصل موضوع داشته است.

گواه این مدعا موارد متعددی است که شیخ طوسی تفصیل مطالب را در بحث‌های عقلی به کتاب‌های دیگر خویش ارجاع داده است یا روایت را در بحث‌های روایی تقطیع و تنها محل استشهاد را ذکر نموده است.

از جمله نمونه‌های بخش اول بحث ایشان در وجوب عصمت امام است که پس از بیان

۱۷. از غلات، پیرو عبدالله بن سبأ و قایل به غیبت حضرت علی علیه السلام بودند (ر. ک: فرهنگ فرق اسلامی ص ۲۲۴).
۱۸. نامی برای این فرقه‌ها ذکر نشده است؛ چنان‌که در فرق الشیعه نوبختی نیز تنها بر عقاید آنها اشاره شده است.

مختصری نوشته است:

و هذه الطريقة قد احكمناها في كتبنا فلا نطول بالأسئلة عليها لأن الغرض بهذا الكتاب غير ذلك
و في هذا القدر كفاية.^{١٩}

یا سخن ایشان در خاتمه بحث از چگونگی اصابه حق در زمان غیبت که:

و قد استوفينا هذه الطريقة في تلخيص الشافي فلا نطول بذكرها الكتاب.^{٢٠}

از نمونه‌های بخش دوم نیز می‌توان موارد ذیل را ذکر نمود:

مواردی در ابتدای حدیث گفته است: «فی حدیث طویل اختصرناه».^{٢١}

مواردی وسط حدیث را حذف و به آن اشاره کرده است که: «ثم ذكر الوصية الى آخرها».^{٢٢} و

«و ذكر الحديث»^{٢٣} و «وساقت الحديث الى قولها».^{٢٤}

و مواردی که آخر حدیث را حذف کرده است؛ با عباراتی مثل: «تمام الخبر»^{٢٥} «وساق الحديث

بطوله»^{٢٦} و «ذكر الحديث الى آخره».^{٢٧}

با این وجود، موارد اندکی وجود دارد که مطالب ذکر شده با موضوع اصلی کتاب چندان مناسبتی

ندارد؛ از جمله ذکر وکلای ممدوح و مذموم امامان معصوم^{٢٨}؛ هرچند که خود شیخ تصریح نموده

که مقدمه ذکر سفرای امام زمان^{٢٩} است.

٣- ١. سبب تألیف کتاب

شیخ طوسی علت تألیف این کتاب را چنین بازگو کرده است:

فأما بعد فإني مجيب الى مارسمه الشيخ الجليل - اطال الله بقاءه - من املاء كلام في غيبة صاحب

الزمان و سبب غيبته و العلة التي لاجلها طالت غيبته و امتداد استتاره مع شدة الحاجة اليه

و انتشار الحيل و وقوع الهرج و المرج و كثرة الفساد في الأرض و ظهوره في البر و البحر و لم لم

يظهر و ما المانع منه و ما المحوج اليه، و الجواب عن كل ما يسأل في ذلك من شبه المخالفين

و مطاعن المعاندين، و انا مجيب الى ما سأله و ممثل مارسمه.^{٢٩}

١٩. الغيبة، ص ١٥.

٢٠. همان، ص ٦٥.

٢١. ر. ک: همان، ص ١١٦ و ١٣١.

٢٢. همان، ص ١١١.

٢٣. همان، ص ١٤٣.

٢٤. همان.

٢٥. همان، ص ١١٦.

٢٦. همان، ص ١٥١.

٢٧. همان، ص ١٤٣.

٢٨. ر. ک: همان، ص ٢٠٩ به بعد.

٢٩. همان، ص ٢.

در برخی از چاپ‌های این کتاب در پاورقی گفته شده که مراد از «شیخ الجلیل»، شیخ مفید است. ولی همان‌طور که شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعة تذکر داده است^{۳۰}، از آنجا که شیخ مفید متوفای سال ۴۱۳ق، بوده و تألیف این کتاب - چنان‌که خواهیم گفت - در سال ۴۴۷ق، انجام پذیرفته است، این احتمال نادرست می‌نماید؛ به‌ویژه آن‌که شیخ طوسی نسبت به او «اطال الله بقاءه» گفته است که از زنده بودن شیخ به هنگام تألیف این کتاب حکایت دارد.

همچنین باید گفت که این شیخ جلیل، سید مرتضی دیگر استاد شیخ طوسی نیز نمی‌تواند باشد؛ چرا که سید مرتضی نیز در سال ۴۳۶ق، وفات یافته و خود شیخ نیز در این کتاب هر جا که از او نام برده، «رحمه الله» گفته است.^{۳۱}

به نظر می‌رسد با توجه به سال وفات مشایخ شیخ طوسی می‌توان مراد از «الشیخ الجلیل» را مشخص نمود و آن این‌که از مجموع ۳۸ شیخی که برای طوسی ذکر شده است^{۳۲}، ظاهراً تنها دو تن از آنان در زمان تألیف این کتاب زنده بوده‌اند:^{۳۳} یکی قاضی ابوالقاسم علی تنوخی (م ۴۴۷ق) و دیگری ابوالعباس باحمد بن علی نجاشی صاحب کتاب رجال (م ۴۵۰ق).

بنابراین، شیخ طوسی این کتاب را به در خواست یکی از این دو استاد باید نوشته باشد؛ مگر این‌که بگوییم مراد مؤلف از «شیخ الجلیل» یکی از همطرازانش می‌باشد که است. این احتمال نیز بعید به نظر می‌رسد؛ چرا که شیخ از سال ۴۳۶ پس از وفات سید مرتضی زعامت شیعیان را عهده‌دار بوده است و در شرح حال او نیامده که کسی در سطح او بوده، بلکه گفته شده که در عظمت به جایی رسید که خلیفه وقت کرسی کلام برای او قرار داد.^{۳۴}

۴-۱. زمان و مکان نگارش کتاب

همان‌طور که پیش از این اشاره شده، شیخ طوسی این کتاب را در سال ۴۴۷ به رشته تحریر در آورده است. این مطلب از عبارات خود شیخ در دو جا فهمیده می‌شود:

یکی آنجا که مقدار عمر امام زمان (عج) را مشخص کرده است:

فان قبیل ادعاؤکم طول عمر صاحبکم امر خارق للعادات... لأنه علی قولکم فی هذا الوقت، الذی هو ستة سبع و اربعین و اربعمائة، مئة و واحد و تسعون سنة.^{۳۵}

۳۰. همان، ج ۱۶، ص ۷۹.

۳۱. ر.ک: همان، ص ۱۱ و ۱۱۱ و ۶۶.

۳۲. الشیخ الطوسی، ص ۱۰۹ به بعد. مرحوم آقابزرگ در مقدمه کتاب گفته است عدد شیوخ مؤلف به ۴۰ می‌رسد، ولی در حیات الشیخ الطوسی ۲۷ نفر را نام برده است.

۳۳. سال وفات بسیاری از آنها در دو منبع پیش آمده است. بقیه را با توجه به «رجال عصر شیخ طوسی»، هزاره شیخ طوسی، ص ۱۱۸ می‌توان به دست آورد. در عالمان متوفای ۴۴۷ به بعد نیز از دو شیخ مذکور کسی از مشایخ او دیده نمی‌شود.

۳۴. از جمله، ر.ک: «الشیخ الطوسی و تراثه الحدیثی»، مجله علوم الحدیث، ش ۶، ص ۱۲۵.

۳۵. الغیبة، ص ۷۸.

و دیگر آن جا که شیخ دیدار خود از قبر عثمان بن سعید، نایب امام زمان علیه السلام را گزارش می‌کند:
قال محمد بن الحسن، مصنف هذا الكتاب رأيت قبره في الموضع الذي ذكره و كان نبى في وجهه
حافظ ... و هو الى يومنا هذا، و ذلك سنة سبع و اربعين و اربعمائة. ۳۶

مکان و شهری که شیخ این کتاب را نگارش نموده، به احتمال زیاد، بغداد بوده است؛ چرا که از یک سو هجرت شیخ از بغداد به نجف را در سال ۴۴۸ق، ذکر کرده‌اند. ۳۷ از سوی دیگر، خود شیخ در گزارش دیدار مرقد عثمان بن سعید - که پیش‌تر ذکر شد - به سال ورودش به بغداد اشاره کرده، ولی از خروج خویش صحبتی نکرده است؛ در صورتی که با توجه به اهمیت هجرت شیخ به نجف - که پس از مرارت‌های بسیار وی در بغداد ۳۸ انجام شد - حتماً شیخ آن را ذکر می‌کرد:
فكنا ندخل اليه و نزوره مشاهدة و كذلك من وقت دخولي الى بغداد و هي سنة ثمان و اربعمائة. ۳۹

۵-۱. اهمیت و ارزش کتاب

سخن شیخ آقابزرگ تهرانی در معرفی این کتاب - که در مقدمه آن آمده و در روی صفحه اول برخی چاپ‌های آن نیز چاپ شده است - به خوبی گویای ارزش این تألیف شیخ طوسی است:

يتضمن هذا الكتاب اقوى الحجج و البراهين العقلية على وجود الامام الثاني عشر ... و يدفع
الكتاب شبه المخالفين و المعاندين الذين ينكرون وجوده أو ظهوره بحيث يزول معه الريب. ۴۰

ولی اهمیت و ارزش این کتاب را آن‌گاه می‌توان دریافت که تأملی کوتاه در آثار پیش از شیخ طوسی داشته باشیم.

توضیح مطلب این‌که تا پیش از شیخ الطائفة کتاب‌های نوشته شده در موضوع غیبت حضرت مهدی علیه السلام بیشتر یا صبغهٔ روایی دارند، یا تنها به بحث‌های عقلی پرداخته‌اند؛ مثلاً دو اثر الغیبة ابن‌ابی‌زینب نعمانی و کمال (الکمال) الدین شیخ صدوق شامل روایات غیبت‌اند که مؤلفان این دو آنها را در ابواب و موضوعات مختلف دسته‌بندی کرده‌اند. نیز در الفصول العشرة فی الغیبة شیخ مفید و چهار رساله کوتاه وی و نیز المقنع سید مرتضی - که هر دو استاد شیخ طوسی بوده‌اند - تنها مباحث عقلی (کلامی) ارائه شده است، ولی در الغیبة شیخ طوسی شاهدیم که به هر دو جهت توجه شده و در کنار مباحث عقلی روایات متعددی نیز ذکر شده است. از این‌رو، می‌توان الغیبة شیخ طوسی را جامع مباحث عقلی و نقلی در موضوع غیبت دانست؛ چیزی که تا زمان کمتر سابقه داشته است؛ اگر نگوییم بی‌سابقه بوده است.

۳۶. همان، ص ۲۱۸.

۳۷. الطوسی شیخ الطائفة، ص ۳۸؛ هزاره شیخ طوسی، ص ۱۵. در صفحه ۱۷ همین کتاب سال ۴۴۷ نیز ذکر شده است.

۳۸. ر. ک: هزاره شیخ طوسی، ص ۱۵.

۳۹. الغیبة، ص ۲۱۷.

۴۰. همان، ص ۹ (مقدمه).

همچنین باید گفت این سخن برخی که گفته‌اند الغیبة شیخ طوسی رنگ کاملاً کلامی به خود گرفته،^{۴۱} ناصواب است؛ چرا که روایات قابل توجهی را جناب شیخ در کتاب فراهم آورده که به آن صبغه روایی نیز داده است.

۲. منابع کتاب

به‌طور عام گفته شده^{۴۲} از آن‌جا که شیخ طوسی در مدت اقامتش در بغداد از سال ۴۰۸ق، از کتابخانه بزرگ این شهر، کتابخانه سابوریه^{۴۳} (شاهپور بن اردشیر در سال ۳۸۱م، آن را بنا نهاد) با ده‌هزار و چهارصد مجلد کتاب نفیس استفاده می‌کرده است.^{۴۴} مهم‌تر از آن به مدت ۲۸ سال ملازم کتابخانه استاد خویش سید مرتضی (از ۴۰۸ تا ۴۳۶ وفات سید) با هشتاد هزار^{۴۵} مجله کتاب بوده است.^{۴۶} لذا در تألیف این کتاب باید از منابع قابل توجهی بهره برده باشد.

با این وجود به نظر می‌رسد که منابع و مأخذ مورد استفاده شیخ طوسی در این کتاب را ذیل سه دسته می‌توان ذکر نمود:

۱- ۲. منابعی که خود شیخ در لابه‌لای مطالب کتاب ذکر نموده است

۱- ۱- ۲. کتاب سلیم بن قیس هلالی

در یک جا جناب شیخ به این کتاب اشاره کرده است:

اخیرنا احمد بن عبدون عن ابن ابی الزبیر القرشی عن علی بن الحسن ابن فضال عن محمد بن عبدالله بن زراره عن زراره عن عمرو بن شمر عن جابر عن ابی جعفر قال هذه وصیة امیر المؤمنین و هی نسخة کتاب سلیم بن قیس الهلالی ...^{۴۷}

۳ و ۲- ۱- ۲. الغیبة و الاوصیاء محمد بن علی بن ابی العزاقد الشلمغانی

شیخ طوسی در یک مورد از الغیبة او نقل کرده است:

و ذکر محمد بن علی بن ابی العزاقه الشلمغانی فی اول کتاب الغیبة الذی صنفه ... و قال فی فصل آخر ...^{۴۸}

در دو مورد نیز گفته است:

۴۱. مشعل جاوید، در محضر غیبت نعمانی، ص ۲۰۴.

۴۲. در نرم‌افزار قرآنی نور العترة چنین آمده است.

۴۳. بر اساس حیاة الشیخ الطوسی، ص ن.

۴۴. بر اساس، میری دو زندگی شیخ طوسی، هزاره شیخ طوسی، ص ۱۸.

۴۵. برخی این رقم را ۸ هزار ذکر کرده‌اند، الطوسی شیخ الطائفة، ص ۳۱.

۴۶. همان؛ حیاة الشیخ الطوسی، ص ن.

۴۷. الغیبة، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۴۸. همان، ص ۲۴۰ و ۲۴۱.

روى الشلمغانى فى كتاب الاوصياء. ٤٩

لازم به ذكر است كه مؤلف اين دو كتاب معاصر حسين بن روح، نايب سوم امام زمان بوده و در زمان نوشتن آنها بر عقیده درست بوده است، ولى بعدها به حسين بن روح حسد ورزید و موضوعات باطلی ادعا کرد. توقیعی نیز از جانب امام زمان (عج) در لعن او آمده^{٥٠} كه شيخ طوسى نیز آن را ذكر کرده است.^{٥١}

٢-١-٢. نصره الواقفة ابو محمد على بن احمد علوى موسوى

شيخ طوسى در بحث از واقفه در ابطال اين فرقه روايات مورد نظر پيروان آن را از اين كتاب نقل و رد کرده است:

و نحن نذكر جملا مما رووه و نبين القول فيها فمن ذلك اخبار ذكرها ابو محمد على بن احمد العلوى الموسوى فى كتابه فى نصره الواقفه ...^{٥٢}

و چندین روایت را آورده است.^{٥٣} در شمار این منابع می توان کتاب های دیگری را نام برد كه شيخ توضیح یا تفصیل مطلبی را به آنها ارجاع داده است. این امر حاکی از آن است كه شيخ در تألیف الغیبه به این كتابها نیز نظر داشته است.

٢-١-٥. تلخیص الشافى

این كتاب اثر خود شيخ بر الشافى سيد مرتضى است. وی در پاسخ به سؤالی در شرایط امام چنین گفته است:

قد اجبنا من هذا السؤال فى التلخیص مستوفى و جملته أن ...^{٥٤}

٢-١-٦. شرح الجمل

این كتاب نیز از تألیفات خود شيخ است؛ چنان كه در يك جا از آن در کنار تلخیص الشافى یاد نموده است.

در آغاز كتاب در بحث دليل وجود داشتن رئيس (امام)، پس از مختصری، نوشته است:

واجبنا عن كل ما يسأل على ذلك مستوفى فى تلخیص الشافى و شرح الجمل لا نطول يذكرها هنا.^{٥٥}

٤٩. همان، ص ١٤٨ و ٢٠٨.

٥٠. هزاره شيخ طوسى، ص ٥١٨.

٥١. ر. ك: الغیبه، ص ٢٤٨.

٥٢. این عبارت گویای این است كه نام كتاب نصره الواقفه نبوده است و ما جهت سهولت در كار آن را چنین نام نهادیم.

٥٣. الغیبه، ص ٢٩.

٥٤. همان، ص ٦٦.

٥٥. همان، ص ٥.

۷-۱-۲. الذخیره سید مرتضی

الذی قوله فی هذا الباب ما ذكره المرتضی فی الذخیره ... ۵۶

۲-۲. منابعی که از مقایسه این کتاب شیخ یا کتاب‌های دیگر غیبت نویسان پیش از او به دست می‌آید

۱-۲-۲. (۸) الفصول العشرة فی الغیبة شیخ مفید

شیخ مفید در فصل دوم این کتاب به مسأله انکار ولادت امام زمان (عج) از سوی جعفر عموی ایشان و کارهای جعفر پس از امام حسن عسکری علیه السلام پرداخته است که شیخ طوسی نیز در صفحه ۲۴ الغیبة متعرض این مطلب شده است.

همچنین جناب شیخ، به مانند شیخ مفید^{۵۷}، متعرض رد فرقه‌های واقفه (شیخ مفید ممتوره نامیده است) کیسانیه، ناووسیه، سبائیه شده و همچون او انقراض این فرقه‌ها و مردن کسانی را که معتقد به زنده بودنشان هستند، از جمله ادله بطلان آنها دانسته است.^{۵۸} البته شیخ مفید تنها دو صفحه را به این بحث اختصاص داده است.

مهم‌تر از همه، فصل ششم کتاب شیخ مفید است که مسأله طول عمر حضرت مهدی علیه السلام را بررسی کرده است. در کتاب شیخ طوسی^{۵۹} در توجیه چگونگی طول عمر حضرت، به مانند استاد، ابتدا به طول عمر آدم و نوح علیهم السلام اشاره شده و از آن پس، چند تن از معمرین - که در تاریخ مشهورند - ذکر شده‌اند. جالب این‌که عین عبارات شیخ مفید آمده است. البته شیخ مفید تنها ده نفر را ذکر کرده که شیخ طوسی دوازده نفر دیگر را بر این جمع افزوده است. همچنین باید گفت که در آن بخش مشترک تفاوت‌هایی جزئی وجود دارد. اینها نشان می‌دهد که این مطالب را شاگرد و استاد هر دو از یک منبع ذکر کرده‌اند و چه‌بسا بتوان گفت که شیخ طوسی در این میان دقت بیشتری داشته است؛ مثلاً در الفصول العشرة آمده است:

و روی من ذکر اخبار العرب أن لقمان بن عاد كان اطول الناس عمراً بعد الخضر علیه السلام و أنه عاش ثلاثة آلاف سنة و خمسمئة سنة.

در این‌جا شیخ طوسی عبارت «بعد الخضر» را حذف کرده است.

دیگر آن‌که المستوغر بن ربیعة بن کعب بن زید بن مناة از جمله معمرین است که شیخ مفید عمر او را ۳۳۳ سال ذکر کرده است و شیخ طوسی آن را ۳۳۰ دانسته است. همچنین در کتاب شیخ مفید اکثم بن صیفی الاسدی ۳۳۰ سال دارد، ولی در الغیبة شیخ طوسی

۵۶. همان، ص ۱۱.

۵۷. ر.ک: الفصول العشرة، فصل هشتم.

۵۸. الغیبة، ص ۱۵ به بعد و ۱۱۸ به بعد.

۵۹. ر.ک: همان، ص ۷۹ به بعد.

این رقم ۳۸۰ سال است.

۲-۲-۲. (۹) المقنع سید مرتضی

همان طور که گفتیم، این کتاب را مرحوم سید در خصوص موضوع غیبت نوشته است و به نظر می‌رسد که شیخ طوسی در نگارش الغیبة از این کتاب نیز استفاده کرده است. شاهد این مطلب موضوعات و مباحثی است که در هر دو کتاب مطرح شده است؛ چون رد فرقه‌های واقفه، کیسانیه و ناووسیه، علت غیبت امام زمان، حکم حدود در زمان غیبت و علت عدم ظهور امام زمان برای اولیایشان.

عبارت سید مرتضی در بحث حدود در زمان غیبت چنین است:

فان قيل فالحدود في حال الغيبة ما حکمها فان سقطت عن فاعلي ما يوجبها فهذا اعتراف بنسخ الشريعة وان كانت ثابتة فمن يقيمها مع الغيبة. قلنا الحدود المستحقة ثابتة في جنوب الجناة بما يوجبها من الافعال، فان ظهر الامام والمستحق لهذا الحدود باق اقامها عليه بالبينه أو الاقرار وان فات ذلك بموته كان الائم في تفويت اقامتها على من اخاف الامام وألجأه الى الغيبة وليس هذا بنسخ لاقامة الحدود....^{۶۰}

شیخ طوسی همین مطلب را با عباراتی نزدیک به عبارات شیخ آورده است که شروع آن چنین است: فان قيل فالحدود في حال الغيبة ما حکمها فان سقطت عن الجاني على ما يوجبها الشرع فهذا نسخ الشريعة وان كانت باقية فمن يقيمها....^{۶۱}

۳-۲. منابعی که از مطالعه اسناد روایات کتاب به دست می‌آید

۱-۳-۲. (۱۰) الغيبة فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ق)

این محدث جلیل القدر از جمله کسانی است که قبل از عصر غیبت در این باره کتاب نوشته‌اند. البته این اثر او متأسفانه به دست ما نرسیده است، ولی به نظر می‌رسد موارد بسیاری را که شیخ طوسی به صورت مرسل و گاهی مسند به‌ویژه در بخش‌های پایانی کتاب^{۶۲} از او نقل کرده با استفاده از الغیبة او بوده است؛ هرچند که خود شیخ چیزی در این باره نگفته است.

۲-۳-۲. (۱۱) الکافی محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ق)

شیخ طوسی روایات متعددی را، بیشتر به صورت مسند، از کلینی نقل نموده که تمام یا بیشتر آنها را در اصول الکافی نیز می‌توان سراغ گرفت؛ مثلاً در بخش ذکر کسانی که به دیدار امام زمان (عج) نایل آمده‌اند، پنج روایت مسند از کلینی نقل کرده است که همه آنها را کلینی در کتاب الحجة اصول

۶۰. المتع في الغيبة، ص ۵۸

۶۱. الغيبة، ص ۶۴

۶۲. ر.ک: الغيبة، ص ۲۶۰ به بعد.

الکافی، باب «تسمیة من رأه» آورده است.^{۶۳} در اولین روایت جناب شیخ طریقش به کلینی را چنین ذکر کرده است:

اخبرنی جماعة عن جعفر بن محمد بن قولویه و غیره عن محمد بن یعقوب الکلینی.

موارد دیگر را با حذف این طریق و با ذکر «و بهذا الاسناد» بیان کرده است.^{۶۴}

۳-۲-۱۲) الغيبة ابو عبدالله محمد بن ابراهيم بن جعفر الكاتب النعماني (محدود ۳۶۰ق)
به نظر می‌رسد که این کتاب نیز مورد استفاده شیخ طوسی در تألیف الغيبة بوده است؛ چنان‌که در بحث دوازده نفر بودن امامان پس از پیامبر^ص، آن‌گاه که خواسته است روایاتی از طریق مخالفان شیعه در تأیید دوازده نفر بودن امامان پس از پیامبر^ص ذکر نماید، هشت روایت را پشت سر هم به صورت مسند از نعمانی نقل کرده است؛ به مانند نقل از کلینی، در مورد اول، طریق خود را به نعمانی ذکر کرده است:

فما روی فی ذلك من جهة مخالفي الشيعة ما اخبرني به ابو عبدالله احمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر، قال: حدثني ابو الحسن محمد بن علي الشجاعی الكاتب، قال: اخبرنا ابو عبدالله محمد بن ابراهيم المعروف بابن ابي زينب النعماني الكاتب، قال: اخبرنا محمد بن عثمان ...

در بقیه موارد با ذکر «بهذا الاسناد» این سند را حذف کرده است.^{۶۵} همین روایات را نعمانی در فصل «فیما روی أن الأئمة اثنا عشر من طریق العامة» فراهم آورده است.^{۶۶}

۴-۳-۱۳) کمال الدین و تمام النعمة ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (م ۳۸۱ق)
از دیگر کتاب‌های مورد استفاده شیخ طوسی در الغيبة این اثر ارزشمند شیخ صدوق است. بیشتر روایاتی که از صدوق نقل شده، مسند بوده و برخلاف دو مورد پیشین، در کتاب پراکنده است. طریق شیخ به صدوق تنها یک واسطه دارد:

اخبرنی جماعة عن ابي جعفر محمد بن علی بن الحسين.^{۶۷}

برخی از این روایات را در کمال الدین شیخ صدوق نیز آمده است، از جمله در بخش ذکر نایبان امام زمان (عج) روایتی از علی بن محمد سمری در خبر رحلت پدر شیخ صدوق آمده است.^{۶۸} همین روایت را در مجلد دوم کمال الدین (صفحه ۲۷۰) می‌توان دید.

در بخش توقیعات وارده از حضرت مهدی^ع روایتی نسبتاً طولانی را از طریق شیخ صدوق نقل

۶۳. ر.ک: اصول الکافی، ص ۳۶۹، روایات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱.

۶۴. ر.ک: الغيبة، ص ۱۶۱ به بعد.

۶۵. همان، ص ۸۸.

۶۶. همان، ص ۱۰۴.

۶۷. از جمله همان، ص ۱۵۰.

۶۸. همان، ص ۲۴۲.

کرده است^{۶۹} که این روایت را نیز شیخ صدوق در باب توقیعات آورده است.^{۷۰}
موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که پرداختن به آنها خارج از حوصله این نوشتار است.

۳. روایات کتاب

چنان‌که پیش از این گفتیم، در این تألیف گرانسنگ شیخ طوسی در کنار مباحث عقلی به روایات نیز توجه ویژه‌ای شده است. گواه این مطلب وجود ۵۰۵ روایت^{۷۱} در این کتاب است؛ البته بیشتر روایات مرسل ذکر شده است.

روایات مسند را جناب شیخ طوسی از هفت استاد به نام‌های ذیل نقل کرده است:

۱. ابو عبدالله احمد بن عبدون معروف به ابن حاشر (ص ۲۱ و ۸۸)،
 ۲. ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید) (ص ۲۴۲ و ۲۵۴)،
 ۳. ابن ابی جید قمی (ص ۱۱۷ و ۱۴۰)،
 ۴. ابو محمد محمدی (ص ۱۱۰ و ۲۳۹)،
 ۵. حسن بن عبیدالله (ص ۲۰۳ و ۲۴۰)،
 ۶. حسین بن ابراهیم قمی (ص ۲۲۳ و ۲۳۸)،
 ۷. یحیی بن عبد الرحمن بن خاقان (ص ۲۴۵).
- در مواردی اولین کسی که جناب شیخ از او نقل می‌کند، لفظ مبهم «جماعة» است؛ به مانند نقل از شیخ صدوق که پیش از این اشاره شد.
۱. جماعة عن ابی محمد هارون بن موسی التلعکبری (ص ۱۷۲ و ۲۵۱)،
 ۲. جماعة عن ابو الحسن محمد بن احمد بن داوود (ص ۱۹۶ و ۲۵۲)،
 ۳. جماعة عن ابی المفضل محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن المطلب (ص ۱۰۴ و ۱۲۴)،
 ۴. جماعة عن ابی عبدالله حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه (برادر شیخ صدوق) (ص ۲۴۳ و ۲۴۷)،
 ۵. جماعة عن ابی عبدالله احمد بن محمد صفوانی (ص ۲۳۸)،
 ۶. جماعة عن ابی العباس بن نوح (ص ۳۲۷)،
 ۷. جماعة عن ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (ص ۱۷۶ و ۲۲۰)،
 ۸. جماعة بن ابی غالب احمد بن محمد بن سلیمان زراری (ص ۱۸۱ و ۱۹۷)،
 ۹. جماعة عن ابی عبدالله احمد بن محمد بن عیاش (ص ۱۸۱ و ۱۸۳)،
 ۱۰. جماعة عن ابی محمد حسن بن حمزة بن علی ... حسین بن علی بن ابی طالب (ص ۱۸۰)،

۶۹. همان، ص ۱۹۳.

۷۰. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۲.

۷۱. در یکی از چاپ‌های کتاب روایات آن شماره گذرای شده است که آخرین روایت شماره ۵۰۵ دارد.

۱۱. جماعة عن ابی جعفر محمد بن سفیان البزوفری (ص ۹۳ و ۱۰۲).

۱۲. جماعة بن عبی عبدالله حسین بن علی بن سفیان البزوفری (ص ۹۶).

این که این جماعت مورد نظر شیخ طوسی چند نفر بوده و چه کسانی را شامل می شود، چندان مشخص نیست؛ چنان که خود شیخ نیز در این باره چیزی نگفته است، ولی از مقایسه اینها با دیگر روایات کتاب می توان برخی از آنان را مشخص نمود؛ مثلاً نسبت به مورد دوم می توان گفت که یکی از آن جماعت حسین بن عبدالله استاد شیخ طوسی (شماره ۵) است؛ زیرا در روایتی چنین آمده است:

أخبرنی الحسین بن عبیدالله عن ابی الحسن محمد بن احمد بن داود القمی رضی الله عنه.^{۷۲}

یا این که در مورد ششم می توان گفت یکی از آن جماعتی که شیخ از ابی العباس بن نوح نقل کرده، حسین بن ابراهیم (شماره ۶) است؛ به دلیل:

أخبرنا الحسین بن ابراهیم عن ابی العباس احمد بن علی بن نوح.^{۷۳}

و مورد آخر جماعت مذکور در شماره ۱۱ است که از جمله آنها حسین بن عبیدالله است؛ چنان که در جای دیگری چنین نقل کرده است:

أخبرنا الحسین بن عبیدالله عن ابی جعفر محمد بن سفیان البزوفری.^{۷۴}

در پایان این بخش باید بگوییم که بررسی روایات این کتاب و چگونگی کار شیخ طوسی در این بخش از کتاب مجال دیگری را خواهان است.

۴. فواید و اطلاعات جانبی کتاب

آنچه که بایسته است در خاتمه این نوشتار بدان اشاره شود، بهره ها و فایده هایی است که در غیر موضوع غیبت از این کتاب می توان برد؛ از جمله این فواید جانبی اطلاع از برخی فرقه های مخالف امامت و غیبت حضرت مهدی (عج) تا عصر شیخ طوسی رضی الله عنه است. آنچه که از مطالب شیخ طوسی در این کتاب به دست می آید، این است که فرقه قابل ذکری در زمان شیخ وجود نداشته است و تمام فرقه هایی که از آنها نام برده است، چون، سبأییه کیسانییه، ناووسییه، فطحیه محمدیه و واقفیه، مدت ها پیش از شیخ از میان رفته بودند؛ چنان که جناب شیخ از مهم ترین دلایل بطلان و به حق نبودن آنها را انقراضشان دانسته است:

فقولهم ظاهر البطلان من وجوه احدها انقراضهم فانه لم یبق قائل یقول بشیء من هذه المقالات و لو كان حقاً لما انقرض.^{۷۵}

۷۲. الغیبة، ص ۱۸۶.

۷۳. همان، ص ۱۷۸.

۷۴. همان، ص ۲۶۱ و ۲۳۸.

۷۵. همان، ص ۵۴.

و در جایی دیگر:

علی أن هذه الفرق كلها قد انقضت بحمد الله و لم يبق قائل يقول بقولها و ذلك دليل علی بطلان هذه الأقاويل.^{۷۶}

البته این‌که به فرقه واقفیه بیشتر از دیگر فرق پرداخته و صفحات بیشتری را به ذکر و رد دلایل آنها اختصاص داده است، ظاهراً بیشتر به خاطر تأثیر گذاری بیشتر آنها نسبت به دیگر فرق است و به نظر می‌رسد که نسبت به دیگر فرقه‌ها دوام بیشتری داشته است؛ چنان‌که پیروان بیشتری نیز داشته است. همچنین می‌توان از تحول فرقه فطحیه اطلاع یافت که:

و قد بینا فساد قول الذاهبین الی امامة جعفر بن علی من الفطحية الذين قالوا بامامة عبدالله بن جعفر الصادق عليه السلام، فلما مات عبدالله و لم يخلف ولدأ رجعوا الی القول بامامة موسى بن جعفر و من بعده الی الحسن بن علی عليه السلام فلما مات الحسن قالوا بامامة جعفر...^{۷۷}

و این‌که فرقه‌هایی چون مخمسه و طالبیه وجود داشته‌اند که نام آنها در ضمن روایات این کتاب بدون ذکر چگونگی اعتقادشان آمده است:

... ان ابادلف محمد بن مظفر الکاتب کان فی ابتداء امره مخمساً^{۷۸} مشهوراً بذلک.^{۷۹}

و ... فقال من اتما؟ فقال احدهما، نحن قوم من الطالبيية^{۸۰}....^{۸۱}

البته این عدم پرداختن به آنها بیشتر به جهت عدم اهمیت‌شان و بی‌ارتباط بودن بحث از آنها با اصل موضوع کتاب، یعنی غیبت امام زمان عليه السلام است.

استفاده مهم دیگری که می‌توان از این کتاب نمود، اطلاع از احوال برخی از رجال و اصحاب ائمه طاهرین عليهم السلام و آگاهی از نظر جناب شیخ طوسی به عنوان یک رجالی بزرگ است. این‌که کسانی چون علی بن ابی حمزه بطائنی و زیاد بن مروان قندی و عثمان بن عیسی رواسی به دلیل طمع در مال دنیا به وقف قایل شدند^{۸۲} و کسانی چون عبدالرحمن بن حجاج، رفاعه بن موسی، یونس بن یعقوب، جمیل بن دراج و حماد بن عیسی ابتدا بر عقیده واقفه بودند، ولی با مشاهده معجزات حضرت علی بن موسی الرضا عليه السلام از این عقیده درست کشیدند.^{۸۳} همچنین این‌که حمران بن اعین، مفضل بن

۷۶. همان، ص ۱۳۷.

۷۷. همان، ص ۱۳۵.

۷۸. از غلات و معتقد بودند سلمان، مقداد، ابوذر، عمار و عمر بن امیه ضمری از جانب خدا مأمور به اداره مصالح عالمند و سلمان در این امور رئیس ایشان می‌باشد. (بر اساس فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۹۹).

۷۹. الفیه، ص ۲۵۶.

۸۰. پیروان طالب بن عبدالله بن صباح بودند که به مظهریت امام باقر عليه السلام اعتقاد داشتند. به خاطر غرائب و خوارقی که از ایشان دیده بودند. (فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۲۵).

۸۱. الفیه، ص ۱۳۶.

۸۲. ر.ک: همان، ص ۴۲.

۸۳. ر.ک: همان، ص ۴۷.

عمر، معلى بن خنيس، نصر بن قابوس لخمى، صفوان بن يحيى، محمد بن سنان، على بن مهزيار هوازى، ايوب بن نوح بن دراج و برخى ديگر جزء وكلاى صالح و ممدوح ائمه بوده‌اند.^{۸۴}
و در مقابل، كسانى چون صالح بن محمد بن سهل، فارس بن حاتم بن ماهويه قزوينى، احمد بن هلال عبرتاتى و ابوطاهر محمد بن على بن بلال از مذمومين و مطرودين اهل بيت^ع بوده‌اند.^{۸۵}

کتابنامه

- اصول الكافي، محمد بن يعقوب كلينى، قم: اسوه، اول، ۱۳۷۶ش.
- حياة الشيخ الطوسى، آقابزرگ تهرانى، تصحيح: محمدحسن آل طالقانى، نجف: المطبعة العلمية، ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۷م.
- الذريعة لى الغيبة، آقابزرگ تهرانى، بيروت: دارالأضواء، سوم.
- الغيبة، محمد بن ابراهيم نعمانى، تحقيق: فارس حسون كريم، قم: انوار الهدى، اول، ۱۴۲۲ق.
- الغيبة، شيخ طوسى، تهران: مكتبة النينوى الحديثة.
- فرق الشيعة، ابو محمد حسن بن موسى نوبختى، تصحيح: سيد محمدصادق آل بحر العلوم، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۵۵ق / ۱۹۳۶م.
- فرهنگ فرق اسلامى، محمدجواد مشكور، مشهد: بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى، ۱۳۶۸ش.
- الفصول العشرة فى الغيبة، شيخ مفيد، تحقيق: فارس حسون كريم، قم: كنز هزارة شيخ مفيد، اول، ۱۴۱۳ق.
- الكمال الدين و اتمام النعمة، شيخ صدوق، ترجمه: منصور پهلوان، قم: دارالحدیث، اول، ۱۳۸۰ش.
- المتق فى الغيبة، سيد مرتضى علم الهدى، تحقيق: محمدعلى حكيم، قم: مؤسسة آل البيت، اول، ۱۴۱۶ق.
- هزاره شيخ طوسى، تهيه و تنظيم: على دوانى، تهران: اميركبير، دوم، ۱۳۶۲ش.
- «در محضر غيبت نعمانى»، عبدالهادى مسعودى، مشعل جاويد، به كوشش: محمدعلى مهدوى راد، قم: دليل ما، اول، ۱۴۲۲ق - «رجال عصر شيخ طوسى»، محمدباقر ساعدى، هزاره شيخ طوسى، تهران: اميركبير، دوم، ۱۳۶۲ش.
- «سيرى در زندگى شيخ طوسى»، على دوانى، هزاره شيخ طوسى.
- «الشيخ الطوسى و تراثة الحديثى»، دوفصلنامه علوم الحديث، ش ۶

۸۴. ر.ك: همان، ص ۲۰۹ به بعد.

۸۵. ر.ك: همان، ص ۲۱۳ به بعد.